

## نام‌شناسی و زبان کاسی‌ها

نویسنده: یزدان صفایی

در نوشته‌های آشوری، از آنان با نام «کاسی‌ها» (Kassi) یاد شده است و همین نام به شکل کوسایونی Kossaioi توسط استرابون یاد شده است. [۱] ایلامی‌ها آن‌ها را کوسی Kussi نامیده‌اند. [۲] کلمه‌ی یونانی کاسیتیریس Kassitoros به معنی قلع فلزی است که از ناحیه‌ی کاسیان می‌آید. [۳] که در واقع کانه‌ای است که از آن قلع به دست می‌آید. [۴] نام همدان پیش از عهد مادها اکسایا Akessaia بود که در آشوری کار - کاسی Kar - kassi به معنی شهر کاسیان است. در هر حال ممکن است که اصطلاح کاس - سی Kas - si یا کاس - پی Kas - pi مفهوم نژادی وسیعتری از تسمیه‌ی قوم واحد، در میان اقوام بسیار زاگرس داشته باشد. [۵] از قوم کاسی، به نام‌های هسی، اوکسی، اوکسیان و هوزی یا خوزی یاد شده است. گونه‌های دیگر این واژه عبارتند از: کوسی، کوس - سی، کاش - شو، کوشین، کوسان، کاسو، کاسیت، گشو، کاسیوس، کوسای، کیس - سی، کاسکان، کوسه، گواسان، کوش، کاسپی، آکسیان، آکس - سی و غیره [۶]

آنچنان که از روی ظاهر واژه‌ها بر می‌آید نام شهرهای قزوین و کاشان و همچنین نام دریای کاسپین از نام این قوم باستانی گرفته شده است. [۷] نام کاسپین صورت جمع واژه‌ی کاسی است [۸] چرا که حرف «پ» در واژه‌ی «کاسپی» نشانه‌ی جمع بوده و از زبان ایلامی به زبان کاسی رسیده است. [۹]

خدای بومی، کاشو Kashshu، بدون شک موجب تسمیه‌ی نام قوم مذکور گردیده است. [۱۰] کاشو، خدا - پادشاهی بوده است که کاسی‌ها خود را از تبار آن می‌دانسته‌اند. [۱۱]

بعد از استقرار در لرستان، سرزمین خویش را کاشن Kashshen نامیدند. [۱۲] که از دو بخش «کاش» به علاوه «شن» تشکیل یافته و بخش نخست نام این قوم و بخش دوم در زبان‌های ایرانی به معنی خانه است و روی هم معنی «خانه کاسی‌ها» می‌دهد. [۱۳] در زبان آذربایجانی که پیش از رواج زبان کنونی در آن دیار رایج بوده، واژه‌ی کوشن به معنی صحرای همسایه یا صحرایی دیگر است که با مرزی مشخص شده باشد. [۱۴] ناحیه‌ای در شمال استان خوزستان امروزی به «کاشن» وجود دارد. [۱۵]

در مرکز استان لرستان امروزی، منطقه‌ای به نام گریت یا کریت وجود دارد که سکونت‌گاه اتباکان لر بوده و همچنین نام طایفه‌ی گر Kar و شهر کنونی کرند در استان کرمانشاه، نام خدای کاسی «کار» یا «گر» را به یاد می‌آورد. [۱۶] نام دهستان «کاسیو» و قلعه‌ای به همین نام در زمین‌های شرقی دره «هرو»، و همچنین نام روستای کوسه Kussa [۱۷] و رود کشکان kashkan واقع در مرکز لرستان [۱۸] و نام‌های کوشک و کوشکی [۱۹] یادآور کاسی‌ها است. نام قوم کاسپین در نواحی چیتراال هند و کافرستان افغانستان دیده می‌شود. دکتر ژورژکنتنو دانشمند و باستان‌شناس از محلی به نام «آریا کاشن» در نزدیک رود جیحون سخن می‌گوید. [۲۰]

درباره‌ی زبان کاسی‌ها می‌توان گفت که به زبان ایلامی‌ها، نزدیکی داشته است، [۲۱] چنان که برخی پژوهشگران از یک زبان واحد به نام «ایلامی - کاسپی» نام برده‌اند. [۲۲] از این زبان تنها چند واژه و عبارت در متون اکدی در نوزی به دست آمده است. برای نمونه، نام چند خدا به این زبان باقی مانده است: بوریاس Burias که با بوره‌آس Boreas یونانی و شوریاش Shuriyash که با شوریا Shuriayh هندی نزدیکی دارد. چند نام دیگر مانند کششو Kashshu، شیپاک

Shpak، هاربه Harbe، شومالیا Shumalia، شوقامونا Shuqamuna نیز دیده می‌شود. [۲۳]

از کاسی‌ها حدود دوپست کتیبه‌ی سلطنتی کوتاه باقی مانده است که با توجه به مدت زمان فرمانروایی آن‌ها در بابل، کوتاه به نظر می‌رسد. [۲۴]

زبان کاسی‌ها غیر سامی بوده، نام خدایان آن‌ها با نام خدایان هند و اروپایی و یا آریایی تشابه داشته است، زبان آنان با زبان اقوام آریایی (هند و اروپایی) همانندی دارد. [۲۵]

زبان کاسی زبانی مستقل بوده، البته در نفوذ زبان‌های هوری نیز قرار داشته و همچنین واژگان هند و اروپایی و نام‌های هند و ایرانی زیادی میان کاسی‌ها و میتانی‌ها مشترک است. [۲۶] این زبان ترکیبی از واژه‌های اصلی ساده و شاید از دور منسوب به زبان ایلامی بوده باشد [۲۷] از این زبان حدود ۵۰ واژه و نام خاص که با ترجمه‌ی آگدی در متون لغوی آشوری و بابلی محفوظ است و همچنین مقداری اسامی خاص که در اسناد تجاری و اقتصادی بابل و کتیبه‌های شاهان مربوط به هزاره‌ی دوم پیش از میلاد باقی مانده، در دست داریم. [۲۸]

واژه «میری جاس» در زبان کاسی‌ها به معنی زمین بوده و با واژه «می‌زیر» MiZir و «مورو» Moro ایلامی که به معنای زمین است، سنجدیده شده. از سویی میان زبان کاسی‌ها با گوتی‌ها نیز خویشاوندی‌هایی دیده می‌شود، برای نمونه گفته می‌شود که پسوند «ش» Sh و «آش» Ash ویژه‌ی زبان کاسی با پسوند «اوش» Ush و «یش» ویژه‌ی زبان گوتی‌ها قابل سنجش است. [۲۹]

Miryas میری‌جاش = Muruzi کاسی، هم‌ریشه Muru ایلامی به معنی زمین. مقایسه شود با مرز-مرج (زمین)

Gida کاسی = Kute ایلامی: فرانوا، فارسی کهن: خدا، آلمانی Gott، انگلیسی God، فارسی: خدا-خوتای (شاید هم‌ریشه‌ی کلمه‌ی Kidu در کلمه‌ای Enkid سومری: نام یکی از قهرمانان اساطیری)

Burna کاسی = خوزی: برنا، براهویی: ورن، اوستایی: اپرنایو.

کاسی: Digigi = ایلامی: Kik، لری و کردی: Koko، کبود -رنگ آسمان- کنایه از آسمان.

کاسی: Surijas خورشید = سانسکریت: Suryah، اوستایی: خور، فارسی: هور-خور.

کاسی: بورباش: باد شمالی = یونانی: بورآ، فارسی: بوران، آذری: بوران.

شومالیا-شیمالیت: الهه‌ی کوه‌ها و جبال = هندی: هیمالیا نام کوهستان مرتفع و معروف، مقایسه شود با ریشه‌ی زیما روسی، هیما (فارسی)، سردسیر از همان ریشه، بوگاش نام یکی از خدایان مقایسه شود با بغ فارسی باستان و بغ اوستایی و بغ پهلوی.

پسوندهای «آش» و «شین» که در ایلامی و کاسی دیده می‌شوند در متون کهن فارسی و اوستایی ماندگی دارد. اونتاش-کوریش مقایسه شود با کوریش-دارباوئوش، ماروتاش ایزد جنگ کاسی یادآور نام ماروتاهای، خدایان جنگ هندی هستند. دورخدای کاسی: تیر و خدای ایلامی قابل مقایسه با بغ تیر -تیرداد- تیر (نام ماه) ایرانی می‌باشند. [۳۰]

پانویس

۱- ایران از آغاز تا اسلام، روبه ۵۵.

۲- هنر ایران، روبه ۹.

۳- ایران از آغاز تا اسلام، روبه ۵۵.

۴- تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غربی فلات ایران، روبه ۱۱۲.

۵- ایران از آغاز تا اسلام، روبه ۵۵.

۶- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، روبه ۸۸.

- ۷- ایران بزرگ، رویه ۸۹.
- ۸- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۳.
- ۹- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۴.
- ۱۰- ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۵۵.
- ۱۱- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۰.
- ۱۲- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۵.
- ۱۳- دیدگاه نگارنده.
- ۱۴- زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی، رویه ۶۵.
- ۱۵- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۶.
- ۱۶- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۲۳-۲۵.
- ۱۷- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۳۲-۳۳.
- ۱۸- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۴۹.
- ۱۹- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۸۹.
- ۲۰- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۱.
- ۲۱- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۸۳.
- ۲۲- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۴.
- ۲۳- قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۴۹.
- ۲۴- قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۵۰.
- ۲۵- تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، رویه ۲۰۹؛ لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۹۷.
- ۲۶- جامعه بزرگ شرق، رویه ۲۰۵.
- ۲۷- تاریخ بین‌النهرین، رویه ۲۲۲.
- ۲۸- تاریخ ماد، رویه ۱۲۰.
- ۲۹- لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۱۷۳.
- ۳۰- نیاکان سومری ما، رویه ۱۰۲-۱۰۱.

#### کتاب‌نامه

- بهزادی، رقیه. ۱۳۸۶. قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران: طهوری.
- جنیدی، فریدون. ۱۳۸۹. زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی، تهران: نشر بلخ.
- چارلز برنی، مارشال لانگ، ۱۳۸۶. تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غربی ایران. ترجمه‌ی هوشنگ صدیقی. تهران: نگاه.
- دیاکونوف، ایگور. ۱۳۵۷. تاریخ ماد، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: پیام.
- رضایی، عبدالعظیم. ۱۳۸۱. تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، تهران: انتشارات دُرُ
- رو، ژورژ. ۱۳۶۹. تاریخ بین‌النهرین، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر آبی.
- سجادیه، محمدعلی. ۱۳۶۵. نیاکان سومری ما، تهران: تهران بنیاد نیشابور.
- سهرابی، محمد. ۱۳۷۶. لرستان و تاریخ قوم کاسیت، محمد سهرابی، خرم‌آباد: انتشارات افلاک
- عطایی‌فرد، امید. ۱۳۸۴. ایران بزرگ، تهران: انتشارات اطلاعات.

گدار، اندره. ۱۳۷۷ هجر ایران، ترجمه‌ی دکتر بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.  
گیرشمن، رومن. ۱۳۵۵. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.